

# پایان 29 ماه زندگی مخفیانه قاتل فراری با

## افشای اثر انگشت

17 اسفند 1402

**اثر انگشت پسر جوانی که به اتهام تیراندازی در زنجان دستگیر شده، راز قتلی را که وی 29 ماه قبل در تهران رقم زده بود برملا کرد.**

ایران: ساعت یک بامداد 7 مهر 1400 مأموران کلانتری 149 امامزاده حسن در جریان درگیری خونینی قرار گرفتند و بلافاصله راهی محل شدند. با حضور مأموران در صحنه درگیری آنها با 5 پسر جوان مواجه شدند که سه نفر از آنها زخمی شده بودند. دو پسر زخمی به یکی از بیمارستان‌ها و سومین نفر که وضعیت وخیمی داشت توسط اورژانس به بیمارستان دیگری منتقل شد.

در حالی که تلاش کادر درمان برای نجات سومین مصدوم ادامه داشت او تسلیم مرگ شد. گزارش مرگ پسر جوان به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد. به دستور بازپرس شعبه دهم دادرسی امور جنایی تهران تحقیقات آغاز و در بررسی‌های اولیه یکی از دوستان مقتول که در این درگیری نیز حضور داشت و شاهد جنایت شبانه بود، گفت: آن شب قرار گذاشتیم به قهوه‌خانه‌ای شبانه‌روزی در میدان تره‌بار برویم. سوار سمند یکی از دوستان شدیم و 5 نفره به راه افتادیم. در مسیر خودروی پرایدی که دو سرنشین داشت و راننده آن دختر جوانی بود، از کنارمان عبور کرد و با سرنشینان خودرو چشم در چشم شدیم. سرنشین دیگر خودرو که مرد جوانی بود و انگار حال عادی نداشت، از ماشین پیاده شد و شیشه‌های ماشین ما را شکست و سه نفر از دوستانم را زخمی کرد که در این میان پرهام، جانم را از دست داد.

با اطلاعاتی که شاهد جوان در اختیار تیم تحقیق قرار داد و پس از بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل جنایت، شماره پلاک خودروی پراید به دست آمد. خودرو متعلق به دختر جوانی به نام آرمیتا بود که به دستور بازپرس جنایی او بازداشت شد.

دختر جوان در تحقیقات گفت: مدتی قبل در فضای مجازی با مسعود آشنا شدم، رابطه‌مان ادامه یافت تا اینکه مسعود به من پیشنهاد ازدواج داد. شب حادثه برای شام بیرون رفته بودیم که ناگهان باهم دعوایمان شد و من به حالت قهر از مسعود جدا شدم و به خانه برگشتم. ساعتی بعد مسعود با من تماس گرفت و خواست آشتی کنیم و پیشنهاد داد که دوری در شهر بزنیم تا کدورت‌ها از بین برود. قبول کردم و به دنبال مسعود رفتم. در یک خیابان وقتی می‌خواستم با خودرو حرکت کنم یک خودروی سمند راه را سد کرده بود پنج پسر جوان سرنشین خودرو بودند هر چه بوق زدم بی‌فایده بود و آنها برای ما ایجاد مزاحمت می‌کردند.

او ادامه داد: سرنشینان خودرو حالشان خوب نبود و به مسعود هم این موضوع را گفتم. ناگهان پسرهای سمند سوار پیاده شده و به سمت ما آمدند. یکی از آنها در خودرو را باز کرد و یقه مرا گرفت و دیگری هم به سراغ مسعود رفت و در حالی که یقه مسعود در دستش بود او را از ماشین بیرون کشید. درگیری بالا گرفت و در این میان، آنها زخمی شده و ما هم سوار ماشین شده و فرار کردیم. مسعود را در نزدیکی

خانه‌شان پیاده کردم و دیگر از او خبری ندارم.



### هویت جعلی مرد تیرانداز

در ادامه بررسی‌ها، هویت مسعود شناسایی شد و تیم جنایی راهی محل شدند. اما پسر جوان پس از درگیری منجر به قتل متواری شده بود و سرنخ‌ها نشان می‌داد که از ایران خارج شده است. بررسی‌های کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت برای دستگیری مسعود ادامه داشت تا اینکه کارآگاهان پلیس زنجان با پلیس تهران تماس گرفته و از دستگیری متهمی خبر دادند که به خاطر قتل تحت تعقیب بود. طبق اطلاعات پلیسی استان همدان، پسر جوان به خاطر تیراندازی در زنجان بازداشت شده و با هویت جعلی خود را معرفی کرده بود.

اما اثر انگشت متهم که توسط کارآگاهان پلیس همدان گرفته شده بود نشان می‌داد که اسم اصلی او مسعود بوده و دو سال قبل در تهران مرتکب قتل شده و تحت تعقیب پلیس تهران است.

با مشخص شدن این موضوع پس از هماهنگی‌های قضایی با بازپرس امیرحسین علیمردان متهم جوان به اداره آگاهی پایتخت منتقل شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

### قتل ناخواسته

متهم با گذشت 29 ماه از جنایت و فرار بالاخره به دام پلیس افتاد.

در این مدت کجا بودی؟

مثل مارکوپولو مدام از شهری به شهر دیگر می‌رفتم. زمانی که مرتکب قتل شدم، مخفیانه به ترکیه رفتم. مدت زیادی در آنجا بودم اما یک روز که برای خرید رفته بودم، با مرد مغازه‌داری دعوایم شد. درگیری که منجر به چاقوکشی شد و فرار کردم. می‌دانستم دیر یا زود پلیس ترکیه مرا بازداشت می‌کند، به همین دلیل از همان راهی که به ترکیه رفته بودم برگشتم و به یکی از شهرهای شمال غربی کشور رفتم. مدتی هم در آنجا زندگی کردم اما حوصله‌ام سر رفت و تصمیم گرفتم به زنجان بروم.

## ماجرای تیراندازی چه بود؟

دو ماهی در زنجان با هویت جعلی زندگی می‌کردم و در این حین با پسری دوست شده بودم. امیر یک روز به سراغم آمد و گفت چند نفری برایش ایجاد مزاحمت می‌کنند. قرار دعوا با آنها گذاشته بود و از من خواست همراه او بروم. در عالم رفاقت نمی‌توانستم او را تنها بگذارم و همراهش شدم. دعوا بالا گرفت و مجبور شدم دست به اسلحه شوم البته سلاح مال من نبود فقط با خودمان برده بودیم تا آنها را بترسانیم. به خاطر تیراندازی بازداشت شدم و به اداره آگاهی یکی از شهرستان‌های استان همدان منتقل شدم.

## خودت را با هویت جعلی معرفی کردی؟

بله، می‌دانستم که اگر هویت اصلی‌ام را بگویم، راز قتلی که دو سال قبل مرتکب شده بودم برملا می‌شود. اما صحنه سازی‌های من بی‌فایده بود و از روی اثر انگشت هویتم برملا شد.

## شب حادثه چه اتفاقی افتاد؟

با نامزدم قصد دور دور کردن را داشتیم که سرنشینان خودروی سمند برای ما ایجاد مزاحمت کردند. دو نفر از سرنشینان خودرو چاقو داشتند و به من حمله کردند. آنها اصلاً حالشان خوب نبود و در این میان چاقو از دست یکی از آنها افتاد و از فرصت استفاده کردم و چاقو را برداشتم. برای دفاع از خودم چاقو را پرتاب کردم و گرنه قصد کشتن نداشتم.